از جلوهٔ حسن و نغمهٔ صوت مرا
کاهی همه تن بصر کنی گاه سمع
از نور حضور تا نیفروزی شمع　　دل گشته نتوان نمود از تفرقه جمع
بی جلوهٔ حسن و نغمهٔ صوت مرا
بلبنا شنوا کجا بصر گردد و سمع
بی عارض گلگون تو ای دلبر ما　　یکدم نشکفته غنچهٔ دل بر ما
بس تخم محبت تو کشتیم نکشت
جز لالهٔ داغ بر دل دلبر ما
ای آینهٔ جمال شاهی دل تو　　ور مطلع انوار الاهی دل تو
در جام جهان نمای دل کن نظری
تا با تو نماید آنچه خواهد دل تو
ای مخزن اسرار الاهی دل تو　　ور محرم راز کبریائی دل تو

[illegible]

Copyright © King Saud University